

## پیوست ۳

## هزارجریب و نواحی پیرامون: حدود، بخش‌ها، بلوک‌ها و روستاها

ه. ل. رابینو (کنسول دولت بریتانیا در شهر رشت طی سال‌های ۱۲۸۵-۱۲۹۱ ش / ۱۹۰۶-۱۹۱۲ م) که به نوشته خود «در سال ۱۹۰۸ و ۱۹۰۹ دو بار به مازندران سفر کرده» و «کلیتاً شانزده سال درباره مازندران به جمع‌آوری اطلاعات صرف اوقات نموده»،<sup>۱</sup> نتیجه خواننده‌ها، شنیده‌ها و - مهمتر از همه - دیده‌های خود را در کتابش مازندران و استرآباد تدوین کرده است. کتاب رابینو در سال ۱۳۴۴ ق به سرمایه اوقاف گیب در قاهره منتشر شد. براون و سپس نیکلسون بر تصحیح و نشر کتاب رابینو نظارت داشتند.<sup>۲</sup> در سال ۱۳۲۱ ش، غلامعلی وحید مازندرانی «با عنایت و راهنمایی» سید حسن تقی‌زاده ترجمه کتاب رابینو را در لندن آغاز کرد و در پاییز همان سال در همان جا کار ترجمه را به پایان رساند. «از حسن اتفاق، مؤلف که به زبان فارسی نیک آشنایی داشت و در این موقع در لندن بود»، ترجمه را ملاحظه و در مطالب دو صفحه از قسمت تاریخی فصل اول تجدید نظر کرد<sup>۳</sup> و افزون بر آن مقدمه‌ای نیز به فارسی بر این ترجمه نوشت. ترجمه فارسی کتاب سال‌ها بعد، در سال ۳۷-۱۳۳۶ ش، از سوی بنگاه ترجمه و نشر کتاب در تهران به چاپ رسید و پس از آن چند بار تجدید چاپ گردید. کتاب رابینو پس از مقدمه، از یازده فصل، دو ضمیمه (ضمیمه اول: نام‌های دهات و آبادی‌های مازندران؛ ضمیمه دوم: فرمانروایان مازندران) و دو بخش افزوده دیگر (که یکی یادداشت‌ها و حواشی اوست بر مطالب کتاب، و دیگری «صورت کتیبه‌هایی» که رابینو در گیلان و مازندران و استرآباد دیده و خوانده بود) تشکیل شده است. رابینو در فصل نخست کتاب از نژاد مردم مازندران، پیشینه تاریخی آنجا، وضع جغرافیایی، آب و هوا و ... سخن گفته، و در فصول بعدی - در شکل یک سفرنامه آمیخته با اطلاعات تاریخی - به ترتیب شهرها و روستاهایی را که در مسیر سفر خود از رشت تا استرآباد دیده توصیف کرده و البته اطلاعات محلی را نیز به مشاهدات میدانی خود افزوده است. رابینو در کتاب خود اطلاعاتی نیز از محدوده هزارجریب و دو بخش اصلی آن

گنجانیده؛ و در ضمیمه نخست کتاب فهرستی از روستاهای هزارجریب، با تقسیم آن به دو بخش دودانگه و چهاردانگه و هر بخش به چند بلوک، به دست داده است.<sup>۴</sup> در تقسیمات کشوری امروز، منطقه‌ای به نام هزارجریب وجود ندارد و بلوکات و روستاهای منطقه تاریخی هزارجریب اکنون به عنوان شهر، بخش و روستاهای شهرستان‌های ساری و بهشهر تعریف شده‌اند. در زمان رابینو هزارجریب هنوز منطقه‌ای مجزا و مستقل به شمار می‌رفته؛ از این رو نوشته‌ی وی در باب تقسیمات جغرافیای هزارجریب، از آن حیث که محدوده دقیق هزارجریب را در ادوار گذشته نشان می‌دهد، از نظر جغرافیای تاریخی دارای اهمیت است. این احتمال دور نیست که نام برخی از روستاهای هزارجریب قدیم امروزه تغییر کرده باشد، همچنان که محتمل است رابینو نام بعضی از روستاها را به نادرست شنیده و ضبط کرده باشد و یا نام برخی از روستاها را از قلم انداخته باشد (چنانکه خود به مورد اخیر تلویحاً اشاره می‌کند).<sup>۵</sup>

در پیوست حاضر، بخشی از فصل ششم کتاب رابینو را که درباره محدوده هزارجریب و روستاهای آن سخن می‌گوید، و همچنین بخش‌هایی از ضمیمه اول کتاب او که به ذکر دهات هزارجریب، اشرف، انزان، سدن رستاق و استراباد رستاق می‌پردازد (که بخشی از آن مستند به دفاتر مالیاتی مازندران در زمان مسافرت رابینو است) می‌آوریم. گزارش روستاهای نواحی پیرامون هزارجریب را از این رو نقل کرده‌ایم که ظاهراً برخی از روستاهایی که در زمان رابینو جزء این نواحی به شمار می‌آمده، در قرون هشتم و نهم در محدوده حکومت سادات هزارجریب بوده است. اشاره رابینو به مجموعه دهات ناحیه فخر عمادالدین / فخر عمادالدوله (که باید آن را صورت تصحیف شده «میر عمادالدین» تلقی کرد) در ذیل دهات استراباد رستاق، از جمله قرینه‌هایی است که مؤید این نکته است.

به منظور تکمیل نوشته رابینو، فصلی از شجره الامجاد سید حسین بنافتی را نیز که در آن حدود هزارجریب، فریم و اسران رستاق تشریح شده در این پیوست آورده‌ایم. بنافتی رساله خود را در سال ۱۳۶۰ ق (۱۳۲۰ ش) و در حدود سه دهه پس از مسافرت رابینو به مازندران تألیف کرده است. نوشته بنافتی از آن رو سزاوار توجه است که گزارشی تاریخی از محدوده جغرافیایی هزارجریب و نواحی اطراف به دست می‌دهد و مخصوصاً به محدوده حکومت میر عمادالدین و نقش وی در تغییر حدود برخی مناطق نظر دارد.

مطالعه این دو بخش از کتاب رابینو و رساله بنافتی، خواننده را در فهم جغرافیایی وقایعی که در روزگار حکومت میر عمادالدین و احفادش روی داده و شناسایی مناطقی که در ضمن مقاله به آنها اشاره‌ای شده، یاری خواهد کرد.

### یک. رابینو<sup>۶</sup>

بلوک هزارجریب شامل دو قسمت عمده است: یکی چهاردانگه، دیگری دودانگه. می‌گویند هزارجریب به فخر عمادالدوله پسر امام زین‌العابدین تعلق داشته. او پیش از وفات املاکش را میان سه پسر خود که یکی از آنها از مادر دیگر بود تقسیم کرد. بنابراین به دو برادر تنی با هم چهار ششم یا چهار دانگ و به نابرداری آنها دو ششم یا دو دانگ دیگر رسید.<sup>۷</sup>

هزارجریب محدود است از مشرق به ساور و دامغان، از جنوب به سمنان، از مغرب به فیروزکوه و سوادکوه، از شمال به بلوک متعدد استرآباد و اراضی جلگه مازندران. دودانگه در جنوب چهاردانگه واقع، و محدود است از جنوب به کوه بشم که سنگسر را از شه میرزاد جدا می‌سازد، از مشرق به کوه دیوتنگه که تا دهکده تودروار دامغان امتداد می‌یابد، از شمال به بلوک یانسر، و از مغرب به وسیله شاه کوه از سوادکوه جدا می‌شود. دودانگه چهار بلوک دارد: پشت کوه، نهرمان، بنافت و فریم.<sup>۸</sup> رودخانه دودانگه از کوه‌های بشم و جبال مجاور سرچشمه می‌گیرد و از میان ده پایین کلا جریان دارد و از راه چهاردانگه جاری و در مشرق ساری به رودخانه تجن ملحق می‌شود.

چهاردانگه چهار قسمت است: یانسر<sup>۹</sup>، سرخ‌گریه، یخ‌کش و سورتج. یانسر که از انزان کوه در شمال تا شاه‌درکوه در جنوب وسعت دارد و همچنین از بلوک ساور در مشرق تا سرخ‌گریه در مغرب، به نه بلوک تقسیم می‌شود: بالارستاق، انزان‌کوه، انزان‌پشت‌آب، غلامی، کوهسار، اندرون‌تنگه، لای، رمدان و برد. مرکز عمده این بلوک یانسر است. در این ناحیه سه کوه است: خوش‌انگور که حاکم در آنجا خانه تابستانی دارد و بر قلّه آن امامزاده‌ای واقع است، کوه عبداللهی، کیوان کوه. می‌گویند در این محل ۶۸ امامزاده هست.

نهرهای شاه‌کوه، تاش و چهارباغ از چمن ساور به یانسر و سرخ‌گریه<sup>۱۰</sup> جاری هستند و بعد از پیوستن به یکدیگر زارم‌رود را تشکیل می‌دهند که به رودخانه نکا - که بین ساری و اشرف جاری است - می‌ریزد. بلوک سرخ‌گریه - که شامل یخ‌کش نیز

هست - از جنوب محدود است به کوه تیرپرو و کفترگلی، از شمال به کوه خوش انگور، از مشرق به خطیرخیل، از مغرب به ده کلیا و نهر استالم (یا استارم)؛ و به چهار بلوک تقسیم می‌شود: زارم‌رود، تیرکار، اچ رستاق. بلوک کوچک یخ کش یازده ده دارد. نتوانستیم اطلاعات جامعی راجع به سورتج به دست بیاوریم. محل عمده آن کیوسر است و آن دهی است دارای ۲۰۰ خانوار و تابستان‌ها حاکم در آنجا اقامت می‌نماید. اطلاعات مذکور در باب هزارجریب از سرکرده‌هایی که با اطلاع بودند تحصیل شد؛ ولی با اطلاعاتی که در دفاتر مالیاتی نوشته شده است تطبیق نمی‌کند. به موجب دفاتر رسمی مزبور، تقسیمات هزارجریب به قرار ذیل است: دودانگه...<sup>۱۱</sup> بنافت؛ چهاردانگه: اچ‌رستاق، انزان‌کوه، بالارستاق، برد، برکا، چالو، درکا، غلامی، کوه‌سر، کیوسر، لای، مواضع، میان‌سی، پیرجه، سعیده، سرتیکه، تیرکار، که شامل خاصهٔ رمدانی، وردیمه، ول‌ویمه و واری و زارم‌رود است. یخ‌کش جزء اشرف محسوب شده است.<sup>۱۲</sup>

### دهات هزارجریب<sup>۱۳</sup>

#### ۱. دودانگه

الف) ...<sup>۱۴</sup> اله‌سر، علی‌آباد\*، ارزم\*، است میرمحمد\*، اتینی\*، ایلال\*، بلده\*، چارده رودبار\*، چالود\*، دربیت\* و مزارع شه‌میرزاد\*، فیتسک\* (در کنار رودبار که شعبهٔ علیای تجن است)، فیتسک آهنگر\*، فولادمحله\*، گاورد\*، گوهرده\*، گل‌خواران\*، هیکو\*، جاشم تنگسر\*، کرکام\*، خرید\*، خرم‌آباد\*، کیاده\*، کیت\*، ویسرم\*، کولی\*، کلیدر\*، کست\*، لالا\* (که دمورنی آن را مرکز هزارجریب شمرده است)، نوده\*<sup>۱۵</sup>، پایین‌ده\*، پاچی\*، پرده‌کلا\*، پرکنار\*، پرور\*، روشن‌آب\*، رودبارک\*، سلی\*، سنگ‌چشم\*، سروک\*، شلیمک\*، سیاه‌دشت\*، سیاهپوش‌کلا\*، سرخه‌ده\*، تلاجیم\*، تمام\*، تن‌بلا\*، ترازده\*، تیله‌بن\*، تیلک\*، ورمزآباد\*، واوسر\*.

ب) بنافت\*<sup>۱۶</sup>، آهنگرکلا\*، آبک‌سر\*، ای‌ساس\*، بلارک\*، بیشه‌کلا\*، دامادکلا\* و کوه‌نده\*، داودکلا\*، دومرکلا\*، گل‌گل\*، جعفرکلا\*، کلیچ‌کلا\*، مرگاو\* و پاشاکلا\*، میرزاده، نوده‌کلا\*، پهمور\* و دروار\*، پره‌کوه\*، په‌پشت\*، سنکچال\*، شهردشت\*، شهریاردره\*، سوته‌کلا\*، طبقه‌کلا\*، تقی‌آباد\*، تلارم\*، ولیگ‌بن\*، واودره، وزملا، ولیک‌چال\*.

## ۲. چهار دانگه

(الف) اچ رستاق: آهنگر کلا\* و اسطخ سر\*، اندین\* و سق محله\*، برنا\*، دیوا\*، کلاگر محله\* و کرد محله\*، خواجه کلا\*، لمرد\*، لوجنده\*، مشبوکلا\* و ارسم\*، متکازین\*، قریب محله\*، سه مه چول\*، سورک\*، تارسم\*، زیر بند سهل پل\*.

(ب) انزان کوه: افطلت\*، الارزبوم\*، الارزشوراب\*، اندرات\*، استارم\*، ارزت\*، بادله\*، چنارین\*، چین پرچ\*، داود محله\*، گنه کش\*، گته رودبار\*، گاوسالار\*، کوا\*، هفت لب\*، هلوچال\*، حلرم\*، استاجنان\*، استی محله\*، کمر بن\*، کلارم\*، کلوز\*، خارگت\*، ملک محله\*، پارسا\*، پای تو\*، پیتونو\*، پشت رودبار\*، سنگ ده\*، شیم\*، شیل دره\*، وهی\*، وایوا\*، یلما\*، ونشت\*، کلوار\*.

(ج) بالارستاق: عابدین خطیر\*، آغوز بن\*، اسپو\*، استوروا ی گیل\*، استوروا ی کفشگر\*، گلکش محله\*، کلیای خطیر\*، کافی بافی\*، کوشک نداف\*، کرد دشت محله\*، لنداسیو\* (نو و کهنه)، لندرودبار\*، مردکشل\*، میکا محله\*، سرمرد\*، ساروک بن حاجی کفشگر\*، سیدک محله\*، سیاه بلوی تمار\*، سوته نداف\*، تیموی لنگ\*، یانه سربرگیر\*.

(د) برد: ۱۷\* تلمادره\*، اگره\*، بادله کوه، سیاه پر، سرخ ده.

(ه) برکار: عبدالله محله\*، آرم\*، باغبان محله\*، الیاس محله\*، اسمعیل محله\*، کلاگر محله\*، کرد محله\*، یاد کرد کلا\*، میدانک\*، ریزوشم\*، سفیدکوه\*، سلیمان محله\*، وسم\*.

(و) چالو: حرکت\*، گل جاری\*، هلویر\*، منزل دره\*، توسه\*، اورشف\*، ورنه\*.

(ز) درکا: اجورد\*، اندراچم\*، بورمارودبار\*، درکا\*، دروک\*، گارپام\*، کلاگر محله\*، سنگ\*، تولت\*، زرین آباد\*.

(ح) غلامی: عبداللهی\*، غلامی\*، کلا\*، ملو\*، مصیب محله\*، پارچ\*، شل\*، شلر\*، ویما\*، زنگت\*.

(ط) کوهسار: آقازمان\*، اغوزدره\*، انارما\*، ارداسیره\*، بیشه بند معینی\*، بیشه بند و کراب\*، چشمه بن\*، درم\*، آغوزدره\*<sup>۱۸</sup>، گرنام\*، هبهبه جان\*، کته رودبار\*، کلای پی دره (رودبار)\*، کیاسر\*، کوهستان اندرون تنگه\*، کوهستان گرنام\*، نیورد\*، رودبار اعلی\*، شالا (نیالا؟)\*، سوته آغوز\*، توسکا چشمه\* و زوار (مزرعه ای در فریم)\*، ولا سره\*.

(ی) دهستان سورتیچی کیوسر: علمدارده\*، علمداری\*، درمان ترک\*، دهدو\*،

دیلم رودبار\*، دیاجم\*، کنیم\*، کسوب\*، خرکام\*، کیوسر\*، لمسوکلا\*، مادوررستاق\*، نوکنده داروب\*، ریزسرده\*، شیل دره\* و کرات\*، شویلا دشت\*، ملج\*، اولیت\*.  
 ک) لای\*، عیب چین، ارزک، کلار رودبار، ملاخیل، رودبار، سیدخلیل محله، زیارت کلا.

ل) موازی\*، علم کوه\*، آزادسفیدکوه\*، دریب شهاب الدین\*، حلمی\*، هرله\*، کیسنه\*، لاک تراش\*، مارم\*، شب کلا\*، شوراب\*، سیور\*، وریم\*.  
 م) میان سی\*، بارگیرکلا\*، بروم\*، وروکتیم\*، حنا\*، کته کش\*، کلافت\*، لارک\*، لرما\*، ملوا\*، معصوم آباد\*، میانه سی\*، نگران\*، پلور محله\*، سیرجاری\*، ترک\*، ترک دشت\*، اوامر\*.

ن) بی رجه.

س) سعید\*، اردشیر محله\*، بالاکلا\*، گندک محله\*، خورت\*، کوت\*، میان دره\*، نیم\*، قادیکلا (در نوکنده کا)\* و مزارع بردم\*، قادی محله\*، سابق محله\*، سنگ محله\*، سراج محله\*، سیدگور\*، سو حلما\*، ورمی\*، وریم\*، یخدم\*.  
 ع) سرتی که\*، ایول\*، بلخاس\*، کلارچه\*، گردامیر\*، کرات\*، قنارمه\*، سرتی که\*، یاپشرت\*.

ف) تیرکار\*، چالو\*، خاصه رضانی\*<sup>۱۹</sup>، لیمون ده\*، نوده\*، نوری بن\*، روزکیاده\*، ترکام\*، ورمه زار\*، وسوا\*.

ص) وردیمه\*.

ق) ولویمه\* و وری\*.

ر) زارمرود\*.

طرز تلفظ بسیاری از نام های مزبور به طور قطع معلوم نیست. به من گفته اند که محلات زیر نیز در هزارجریب واقع اند:

در دودانگه: افراچال، اغوزگله، انگپام، احمدآباد، درزی کلا، ذکیر کلا، دینه سر، استیله سر، گندلک، جمال الدین، کرکلا، کرسم، کتروم، خشتستان خوش رودبار، خلرت، کرچا، میدان سر، مسکوپا، محمدآباد، ملاده، مومتجی، پراه، پرچوا، رسگت، سرکام، سیدآباد، سیدکلا، سیاه کوه، سواسره، تلوکا، زنبینی.

در چهاردانگه: آهنگر محله، بالابند، برکلا، بیدار، بزنام، چناربینی، چینه پل، چمازده، دباغ، دوکل، اسپه کوه، حسین آباد، جنده کلی، کفتکار، کچپ محله، کت چشمه،

کت محله، کهنه گون، کهنه کوه، کدمینو، لته کومه، مشانی، مصاف، پریمگ، پاوند، پیرکلا، رمدان خیل، سادات، بدابسری، سنگروج، سیاه خانی، سوته خیل، طایفه پلنگ، تاجرخیل، تلوکلا، ویلو، وینه بن.

### دهات اشرف

الف) بلده\* باقادی کیاب\* و رعیت خیل.\*  
 ب) قراطقان: \* دورانه سر\*، حاجی محله، \* کلیت\*، کوسان بومی (کوهستان)\*، کوسان گرجی\*، میان کلا (مرتع)\*، نودهک\*، ونکا\*، نیمچای\*، قلعه زین وند\* و قلعه حسین آباد\*، قلعه نصیرآباد\*، قراتپه\*، رستم کلا\*، شاهزاده کلا\*، شورابسر\*، سیاواش کلا\*، تروجن\*، ولین آباد\* در تاریخ خانی اسامی ابراهیم کوتی و میرانه رود در قراطقان ملاحظه می شود.

ج) کلباد، آبلور و غیره، گلوکا، خورشید، خورشیدکلا، لوسکنده، لمراسک.  
 د) پنج هزار، اوران، باقرآباد، کلاک، پاسند، قله پایان، ران، رکاوند، رباط و خلیل محله، سارو و آلتیه، شاه کیله، وله مازو، زیروان.  
 ه) یخ کش، اوارت، بجت، بیخ بن، چالش محله، دلارز، غریب محله، پارم، شیخ محله، شیرداری، ولم. اسپهبد خورشید سپهسالاری داشت به نام قارن که دهکده قارن آباد در پنج هزار به نام اوست. نامنه و یهودیه نیز در پنج هزار بودند.

### دهات انزان

باغو، بنفشه تپه، دشت کلا با وطنای و استون آباد، گز و بندر گز هشتیکه، جفاکنده، کارکنده و خرابه شهر، کهنه کلباد، لیوان، نوکنده، سرمحله، سرطاق، سوته ده، ولفرا.

### دهات سدن رستاق

النگ، الوار، انجیلاب، آزادمحله، باکرمحله (مزرعه)، بالاجاده، بانعمان، چهارده، چقر، چالکی، دنکلان، درودمحله، گلو، گرجی محله، هاشم آباد، حیدرآباد، اسپی محله، کفشگیری، کلاموکلان سنگیان، خرابه مشهد، کلاجان قاجار، کلاجان سادات، کردمحله، لهدوین، للافان (مراغه)، لامیلنگ، لمسک، مهترکلا، میان دره، مفید آباد، نامن، نوچمن، نودیجه، پیشین کلا، قلعه محمود، قلندر آیش، قلندر محله، قاسم آباد، سعدآباد، سدن،

سرکلا، سیدمیران، شاه‌ده، شهر آشوب (مزارع)، شמושک، شوریان و تازه‌آباد، تخرشی محله، توش، اوجابن، ورسن، یساقی، زرامحله، زنگی محله و دهات مخروب اتکرم، بن کلاته، جعفرآباد، خروس‌آباد، قلعه (نزدیک مهترکلا)، روشن‌آباد، صدرآباد، توگل‌باغ، علوفن، ولاشکی، یاجینی و لایو.

می‌گویند یالو بلوکی بود دارای ۳۵ قصبه که از آن جمله بالاجاده، گلو، لله‌فان، لمسک، قاسم‌آباد، سدان، سیدمیران، توگل‌باغ، علوفن، یاجین و یالو بوده است. کوه‌های این ناحیه عبارتند از: استره‌کو، گلوکن، گاوپا، جهان‌نما، منزولک، پشتو، شاه‌پسندکوه، تاب‌کون، ترکتا، تلور.

### دهات شاه‌کوه و ساور

حاجی‌آباد جهان‌نما (بیلاق)، کنداب، رادکان، رسول‌آباد یا رباط سفید، شاه‌کوه‌بالا (مشمتمل بر: یورت آقارضا، چهارباغ،<sup>۲۰</sup> چال‌خانه، جرین‌برین، یورت‌شاک)، شاه‌کوه پایین.

طالبش اردکان سابقاً ناحیه‌ای شامل سی قصبه بود که فعلاً تمام آنها غیر از کلاته، کنداب و حاجی‌آباد به وضع خراب و غیرمسکون افتاده‌اند. اسامی این دهات عبارت بود از: عباس‌خطیری، آمدخیل، بودوسرا، بوسته‌مین، چیرستان، دی‌دره، دوک‌بن، گاوکوه (گوکوه)، کزنه‌سرا، هفت‌چشمه، حاجی‌آباد، حیدرخیل، اسپن‌جاری، کلمیش کیجا، کلاته یا رادکان، کسرکسا، خاکسردله، خانه‌سری، کولدین‌کلداب، لیسه‌گو، مقسی‌سریبیج، مازی‌بن، پولادمحله زیرکلاته، سرکلا، تمرتاش خیل، ولار، وزمه، زکوار، زرشک‌چال.

کوهستان‌ها و بیلاقات شاه‌کو و ساور: اشتاس، اسپ‌چر، اسپ‌ونیزه، بهارک، بهرام‌خان، بندنرد، باریک‌آب، چاله‌سر، چمن‌دارا، چندرسیت‌خیل، چناریبنی، فوزه‌کلا، گرمابه‌دشت (نزدیک معبر قزلق)، گاو‌سنگ، گرگ‌پا، هفت‌چشمه، جاجگلی، جولی‌خان، کبودچاتله، کلوکاتی، خوش‌آمد، کوچشمه، لنده‌کوه، لره‌کوه، لیلاسر، میان‌دورود، میان‌یورت، نقدیورت، نی‌رودبار، پاییزین، پاییزسر، پشت‌گردوکوه، قبران، قزلق<sup>۲۱</sup>، رسول (دره خرمی که در پایین تنگه شمشیر واقع است)، ریتو، ریزاو، سنگ‌بن، سنگ‌امام، سنگ‌کلان، سردروازه (تپه‌ای در ۹ میلی جنوبی استراباد است)، سرماخورده (جنگلی در دشت ساور)، ساروچشمه، ساور‌علیا، شالی‌یار، شورچشمه،



سرخ چاده، سوترسر، تخت میل، تپه سرو (در پایین معبر قزلق)، ترک چال، ترک میدان (ارتفاع ۶۸۰۰ پا در ۲۵ میلی چارده و ۱۱ میلی زیارت)،<sup>۲۲</sup> یورت، چنار، زله بان.

### دهات استرآباد رستاق

آهنگر محله، علی آباد، الو کلا، امیرآباد، اترک چال، باغ گلبن، چهارچنار، چوپلانی، دودانگه، فیض آباد، فوجرد، اصفهان کلا، جعفرآباد، جلین یا جیرین، کریم آباد، خیرات (مرتع کوچکی است)، کماسی، مریم آباد، مرزن کلا، معصوم آباد، میرمحله، محمدآباد، مؤمن آباد، نصرآباد، نوده، نظام الدین، نومال، پل خرده، قرناآباد، رستم کلا، عباس بیگ (خالصه)، رستم کلا، سادات، شمس آباد، سیاه تلو، سرخانکلا، سلطان آباد (در مشرق آن سنگر احمد علی خان است که به منظور دفاع در مقابل تهاجم ترکمن ها ساخته شده)، توشن، ترنگ تپه، اوزینه، ولیک آباد، زیارت خواسته رود (که عموماً «زیارت خاسه رود» نامیده می شود) و دهات مخروب و باغ جنگل گل تپه (سابقاً شهری بوده)، خرسگلو، محمودآباد، نارنج باغ و روشن کلا، پیش آهننگ یا سرج کلا، قلعه سیاه بالا، ربیع کلاته، سمارو، تالی بو یا ولاش آباد، اوجاتوک، ظهیرآباد.

دهات فخر عمادالدین عبارتند از: دولت آباد یا کناره، حسین آباد ملک، جعفرآباد، میان آباد، قلی آباد، تقرتپه، تقی آباد و دهات مخروب، آهوسرا، انده آباد، چهل گیسو، گوزن، گل باغ یا قلعه حسن، حیدر محله و بربر، جهان آباد، کافر دوین، خسروآباد، ماران کلا، مسگر محله، نرسا، قزقلعه، شهرستان تپه، تلوکلا.

در وقف نامه ای کهنه به تاریخ ۹۸۹ هجری (۱۸۵۱ مسیحی) که فعلاً در دست سادات شیرنگ که مقرر بود درآمد موقوفه را دریافت دارند هست، دهات ذیل در ناحیه فخر عمادالدوله مندرج است: آگره علامان، علازمین، آلوستان، اندع آباد، اندشیرآباد، انوش تنگه، بوانه، دزگاه دوقایران، گوایی محله، گراییی محله، گلبن، گونی محله، حاجی یادر، کمال غریب، کمال خان، ماران کلاته، مسگران، نیرگان، پیچاک محله، قرآغاچ، قراکل، قارلق (علیا و سفلی)، سنگ چشمه، سنگ دوین، شیرنگ، ثور کلاته، طبرسا، طوا، زرگران.

نام دهات ذیل که می گفته اند در چهار فرسخی شرقی استرآباد است نیز در سند مزبور مذکور است: امیرده، گرما به سرا، کشته، مرزبان کلاته، محبت آباد، مشتک قطب الدین (که اکنون «شوکت آباد» خوانده می شود)، نفتو، نجمین، روشنایی محله، رباطو، تلوکلاته.

قلعه‌ها و آبادی‌های زیارت خواسته‌رود: عروس کلا، برنج یکی، فریمان (که از خرابه‌های دژی قدیمی است)، گرم‌دشت (۲۱۰۰ پا ارتفاع که نام قسمتی از جلگه جنوبی زیارت است)، گله‌چاله کل بیلاق، خارو، کورمتو، لوتیا، مرسنگ، مازوکش، مرادچشمه، نوکلا، نومارو، اولنگ‌دره، قلیله، سرتخته، شهرت (که می‌گویند محل شهری قدیمی است)، سرخ چشمه، تخت عمر، طلا بخت، تلمیار، تالو، زرمش کوه، زیله. خرابه‌هایی در جنگل زیارت در نقاط ذیل دیده می‌شوند: انجیلوخیل، اسپندیار محله، جیرو، ملاش، اولیگ‌دره، قلعه حسن، تخت‌دکه، تخت خسرو.<sup>۲۳</sup>

## دو. بناقتی<sup>۲۴</sup>

کوهستان شرقی جنوب مازندران سه قسمت بود:

اول: پریم. و آن شهر کوچکی بود با حصار آجری شبیه به قلعه، واقع در جلگه‌ای موسوم به پریم، جنب رودخانه اشک سمت شرقی شمالی، که... فعلاً معروف است به شهر دشت. قراء بلوک بناقت جزو فریم بوده و متجاوز از پنجاه قراء داشته که تمام قراء و این ناحیه را فریم می‌گفتند. [در] عصر حاضر، با نبودن آثاری از شهر فریم، تمام قراء بلوک فریم و بلوک بناقت را فریم می‌گویند؛ مانند ری که اسم شهر مخصوص بود، لکن... حال که از ری اثری نیست تمام آبادی [ها] و نواحی [اطراف] را [نیز] ری می‌نامند... در کوهستان شرقی... مازندران، فریم ناحیه‌ای حاصل خیز و باثروت بوده [است]. حکومت این ناحیه با اسپهبد بود و او را اسپهبد خورشید می‌نامیدند. اسپهبد را ملک جبال [نیز] می‌گفتند. ملّاک و اعیان این ناحیه، اسپهبدان و امیران بولا [از دهات پرجمعیت فریم] بودند. حدود شمال و غرب آن [= فریم]، دشت مازندران و سوادکوه بوده، و حد شرقی و جنوبی آن یک سلسله از کوه البرز - ممتداً از بناقت و فریم - تا رود سعیدآباد. و رود مذکور، مقطع سلسله کوه... و حد فاصل [فریم] با هزارجریب است...  
دوم: آسران رستاق. این ناحیه را به نام قلعه آسران رستاق - واقع در جلگه چاشم - که حصار آن... [هنوز] باقی است آسران رستاق می‌نامیدند؛ که [شامل] متجاوز از هفتاد قراء پرجمعیت و معمور بود، از قبیل: چاشم، هیکوه، اورپلنگ، شله، کاورد، کلیم، پلور [= پرور]، سنگسر، شه میرزاد و غیره. حکومت این ناحیه با ولایشیان، و در عصر میر عمادالدین با ملک محمود ولش بود. حد فاصل آن از فریم، قلل سلسله کوه البرز و جبال شروین (سوادکوه) و سمنان و دامغان و فیروزکوه، گورسفید افتر و گراب سمنان

(محل سکونت اولیه اهالی سنگسر) و تنگه تویه درووار بود. در عصر حاضر، کوه بشم شه میرزاد حد فاصل است، [چرا] که قلعه آسران رستاق، جلگه چاشم و قراء پلور [= پرور] و هیکوه و غیره جزو هزارجریب گردید. و غالباً بین این ناحیه و ناحیه فریم معارضه و منازعه و جنگ و جدال بود. قلعه‌ای که آثار آن باقی است و قلعه سوت‌رجه و قلعه سلطان میدان برای جلوگیری از تهاجمات طرفین ساخته شد. بعد از آنکه میر عمادالدین آسران رستاق را فتح نمود و یک قسمت آن را جزو هزارجریب کرد، قلعه سلطان میدان به واسطه انقراض ساکنین خراب شد. عده‌ای از اهالی بولا [در آنجا] سکونت نمودند، [به همین دلیل] معروف شد به بولا محله ...

سوم: هزارجریب [هزار جریب در] قدیم موسوم بود به ونداد. ... پس از آن ونداد متروک [شد، و این ناحیه] به زبان مازندرانی [به] هزارگری معروف گردید... این ناحیه از فریم و آسران رستاق وسیع‌تر و پرجمعیت‌تر بود و در عصر میر عمادالدین متجاوز از دو بیست قراء داشت. چهار کلاته [قبلاً] جزو هزار جریب بود و در عصر محمدشاه قاجار جزو حکومت دامغان شد. قبل از میر عمادالدین، حد فاصل [هزارجریب] از [طرف] فریم رود سعیدآباد و پروریج‌آباد، از [طرف] آسران رستاق قلعه سلطان میدان، ... از [طرف] مازندران انتهای کوه مازندران، و از [طرف] استرآباد کوه انزان بود. میر عمادالدین پس از فتح هزارجریب، ناحیه فریم و قسمت عمده آسران رستاق را جزو هزارجریب نمود؛ که فعلاً [هم به عنوان جزوی از هزارجریب] باقی است.

در عصر حاضر، قراء و دهات هزارجریب در حدود سیصد ... است. و در عصر میر عمادالدین قراء و نفوس اضعاف حالیه بود؛ [اما] در اثر یورش‌های امیر تیمور و قتل عام و کشتار عظیم در مازندران - اگرچه از برکت سیاست و اخلاق میر عماد هزارجریب یک اندازه مصون ماند - و زلزله [سال‌های] ۱۱۸۰ و ۱۱۲۰ و ... طاعون [سال] ۱۲۴۷، قراء و قصبات و شهرها ویران و نابود و ... قصبات معموره [تبدیل به] جنگل‌های انبوه شد...؛ [به گونه‌ای که امروز] در بدو مشاهده احتمال آبادی در آن اماکن داده نمی‌شود و [تنها] بعد از مشاهده علائم آبادی [انسان] حس می‌نماید که این مکان معموره بوده [است]؛ کوات چهاردانگه در عصر میر عماد زیاد [ه] معمور و با جمعیت بود؛ [چنانکه] از خرابی‌ها [ی باقی مانده] ظاهر می‌شود. میقانی اورپلنگ هیکوه را که جزو آسران رستاق بوده معمور و با جمعیت می‌نویسد... . قریه خُلرد در عصر میر عماد زیاد معمور بوده، [حال آنکه] در این عصر ده کوچکی است. بولا در عصر میر عماد معمور و با جمعیت و

ثروت بود و طایفه امیران و بزرگان و اشراف فریم و هزارجریب در بولا بودند. [بولا] در آن عصر قصبه بود، [اما] فعلاً جز جنگل‌های انبوه و اشجار عظیم الجثه و الار تفاع که تنه درخت دو متر الی سه متر و ارتفاع آن پنجاه متر الی یکصد متر است چیز دیگر مشاهده نمی‌شود. اثر آبادی، سنگ‌های قبرستان است. شاید [از] این قبیل قراء مخروطه متجاوز از یکصد در جنگل‌ها باشد. در صحرا و جنگل، لوله‌های سفالی برای مجاری آب زیاد پیدا می‌شود و اساس ابنیه آجری و کوره ظرف و شیشه‌سازی و اشیاء زیرخاکی - از قبیل آجر کاشی و پول نقره و طلا - [نیز] پیدا می‌شود.

در هزارجریب در عصر میر عماد، متجاوز از یکصد هزار خانوار بوده [است]. در عصر مرحوم ناصرالدین شاه نفوس قراء شروع به ازدیاد [نمود]. در عصر حاضر (۱۳۶۰ ق) به سبب پیش آمدها، از معموریت و نفوس قراء کاسته شده... است.

مذهب اهل هزارجریب قبل از میر عماد، اسلام مختلط به شیعه و حنفی و شافعی بود؛ [اما] در عصر حاضر غیر از شیعه امامی مذهبی نیست، مگر دو قریه در ناحیه چهاردانگه (اول و رش منگو) [که] چند خانوار بهایی هستند.<sup>۲۵</sup>

### پی‌نوشت‌ها

۱. مازندران و استراباد، ص ۱۵.
۲. نک: همان، ص ۱۹.
۳. همان، ص ۱۰ (مقدمه مترجم).
۴. رابینو شماره ۱۷ (همان، ص ۲۱۷) از ضمیمه دوم کتاب را نیز به «سادات مرتضوی هزارجریب» اختصاص داده، که البته بیشتر مطالب آن برگرفته از نوشته اعتمادالسلطنه در التدوین است.
۵. همین جا باید اشاره کرد که جای گزارشی دقیق و فراگیر از هزارجریب، جغرافیای تاریخی و آثار و ابنیه کهن آن در پژوهش میدانی منوچهر ستوده (با عنوان: از آستارا تا استراباد) خالی است. ستوده خود بیش از هر کس دیگر به این نکته وقوف داشته و نوشته است: «زیباترین و آبادترین و پهناورترین بخش کوهستانی رشته البرز ناحیه هزارجریب است که سامان غربی آن ارتفاعات کنار تالار و سامان شرقیش کوه‌های گرگان است و از جنوب به رشته اصلی البرز و از شمال به رشته کوه جهان‌مورا - در جنوب ساری و بهشهر و گلوگاه و سدن رستاق - محدود می‌شود. رودخانه تجن با شاخه‌هایی به درازای شصت هفتاد کیلومتر و رودخانه نکا با شعب اصلی آن، در این ناحیه زیبای جغرافیایی جریان دارد. با اینکه نگارنده چندین بار به این ناحیه سفر کرد... چنانکه باید و شاید این منطقه مورد بررسی قرار نگرفت؛ ولی اینجانب مصمم است دو سه تابستان در این منطقه به سیر و سیاحت بپردازد شاید بتواند آثاری از کاخ‌ها و دژهای

- باستانی که ذکر آنها در متون تاریخی آمده است بیابد» (مازندران و استراباد، ج ۴، بخش ۱، ص ۱۰)؛ و نیز می‌نویسد: «نگارنده برای بررسی آثار تاریخی هزارجریب چندین سفر به این منطقه کرد ... [اما] با این سفرهای چند روزه نگارنده نتوانست یک‌دهم آنچه را که شایسته و بایسته است ببیند ... [و] امیدوار است یک سالی را در این سرزمین بی‌نظیر بگذراند تا بتواند کاری انجام دهد که در خور عرضه کردن به پیشگاه اهل تحقیق باشد» (همان، ج ۴، بخش ۲، ص ۷۴۸-۷۵۰).
۶. پانویشت‌های توضیحی و حید مازندرانی (مترجم کتاب)، با نشان (م) مشخص شده است. در نخستین پانویشت افزوده مترجم، یکی دو سهو و اشتباه دیده می‌شود که با ذکر نشان [کذا] به نادرستی آن اشاره کرده‌ایم.
۷. درباره صورت دقیق و تاریخی این روایت، پیش‌تر سخن گفته‌ایم.
۸. فریم یا پریم شهر کوچکی بود با حصار آجری شبیه به قلعه واقع در جلگه موسوم به پریم جنب رودخانه اشک. قسمت شمال شرقی آن محل اکنون معروف است به شهردشت و هنوز آثاری در آنجا هست. و این شهر چنانکه یاقوت حموی می‌نویسد در سنه ۶۰۰ هجری قمری مسکون بوده. فریم شامل دو محل بوده: جبال دیلم [کذا] و ناحیه وسیع حوالی ساری. قراء بلوک بنافت جزء فریم بوده با متجاوز از پنجاه قریه که تمام را فریم می‌گفته‌اند. حدود شمالی و غربی فریم دشت مازندران و سوادکوه، و حدود شرقی و جنوبی آن سلسله‌ای از کوه البرز که از بنافت تا فریم و رودخانه سعیدآباد امتداد داشته و این رودخانه مرز آن با هزارجریب بوده است. احتمال قوی این است که شهر فریم در زلزله بزرگ حدود ۷۰۰ هجری ویران شده باشد. دهات پرجمعیت آن در آن زمان از قبیل بولا و قریه‌های مخروب اساس و کهنه‌ده و کاکلو بودند که اثری از آنها باقی نیست. قراء فعلی آن علی‌آباد، پندر، واودره، تراوک، شل‌دره، مرگابین و رسکتین است. کوهستانات جنوب شرقی مازندران سه قسمت است: یکی فریم، دیگر آسران رستاق، سوم هزارجریب که در قدیم ونداد نام داشته، بعد این اسم متروک و به زبان مازندرانی «هزارگری» شد که بعد از تعریب به صورت «هزارجریب» درآمده است. این ناحیه هزارجریب وسیع‌تر و پرجمعیت‌تر از فریم و آسران رستاق بوده است و در زمان میر عمادالدین مرعشی [کذا؛ صحیح: هزارجریبی] متجاوز از دویست قریه داشته. چهارده کلاته هم جزء هزارجریب بوده و میر عمادالدین مزبور نوزدهمین نفر از اعقاب امام موسی بن جعفر است (نقل از قول مرحوم سید حسین بنافتی). (م)
۹. یانسر ظاهراً از محلات سرخ‌گریه است. در چهاردانگه پشت‌کوه و زرکوب ابواب جمعی سورتجی‌ها است. (م)
۱۰. نهرهای مزبور با سرخ‌گریه ارتباطی ندارند و به زارم‌رود مربوط نمی‌شوند. (م)
۱۱. در اصل سه نقطه گذاشته شده است که نشانه ناخوانا بودن نوشته رابینو برای خود اوست (نک: پانویشت ۱۴ که وی به این نکته اشاره می‌کند).
۱۲. مازندران و استراباد، انتهای فصل ششم، ص ۹۶-۹۸.
۱۳. در پانویشت ص ۱۶۳ مازندران و استراباد، دو یادداشت (یکی از رابینو و دیگری از مترجم کتاب) آمده که نقل آن ضروری است:
- نام‌های آبادی‌هایی که با ستاره مشخص شده، در فردهای مالیاتی نیز آمده است. (رابینو)

- نام‌های دهات و آبادی‌ها... با فرهنگ جغرافیایی ارتش (ج ۳) مقایسه شده است و هر جا که تفاوتی بین آنها بوده است آنچه در فرهنگ جغرافیایی بوده در بین دو کمان گذاشتیم. ضمناً خاطر نشان می‌کنیم که برخی از این اسامی در فرهنگ جغرافیایی ارتش نبود. (م)
۱۴. این نام در یادداشت‌های من ناخواناست. (رابینو)
۱۵. درباره وجه تسمیه «نوده» نک: شجره الامجاد، ص ۳۹، که به نقل از میقانی می‌نویسد: پس از غلبه میر عمادالدین بر سربازان امیرولی، «مردم سرکام و انکیام... در هر جا که ملازمان و نوکرها و سواران امیرولی بودند... اموال ایشان را تاراج و غارت کردند. مردم اطراف چون این خبر را شنیدند همه به سمت میر عمادالدین حاضر شدند [و] در مکان قریه نوده در زیر درخت شاه مازو [= درخت بزرگ بلوط] جمعیت نموده، سکونت نمودند [و] اینیه و منزل و ساختمان بنا کردند و آن قریه را نوده نامیدند».
۱۶. در اصل، به اشتباه «نیافت» چاپ شده است.
۱۷. برد در دامنه رشته کوه‌های مازندران و غرب دامغان است و در شش فرسخی این شهر قرار دارد. جهت دره سرتنگ از شمال غربی به جنوب شرقی از باده تا فولادمحله است. در شمال این دره گردنه‌ای به نام تتگ شوراب. در نقشه لاوت در شمال کوه سرتنگ، ولنه وتلمه، کرات، هوات، قلعه سر، روس، سوری و باده دیده می‌شوند. قلعه سر واقع است بر تپه‌های کوتاهی در سمت شرقی دره سرتنگ و مشتمل است بر تقریباً ۸۰ خانه و ۳۰۰ تا ۴۰۰ نفر جمعیت. زراعت خوبی در آن حدود دیده می‌شود و از هر نقطه زمین جهت کشت استفاده شده است. (رابینو)
۱۸. قاعدتاً تکرار نام روستای دوم از همین بخش است.
۱۹. شامل: از دارسیره گرگ تاج، لای پسند، لاکناش (لاکتراش)، شیرکلا، شیت. (م)
۲۰. چهارباغ (۷۱۰۰ پا) در دره‌ای واقع، و محصور است به کوه‌های لره‌ونده در شمال و رشته شاه کوه در جنوب. (رابینو)
۲۱. قزلق قریه‌ای مخروب، و گردنه‌ای است در ۱۴ میلی شهر استرآباد، سر راه شاهرود. راجع به این گردنه، لاوت شرح ذیل را ذکر نموده: «سربالایی در واقع از ارتفاع ۴۳۵۳ پا از حوالی زیارت شروع می‌شود و راه از زیارت تا مراتع علی‌آباد در سه میلی آنجا (۷۶۰۰ پا) بسیار طولانی است و بهتر است در بلندسفاله توقف نمود. در ارتفاع ۴۷۰۰ پا کاروانسرای حقیری به نام رباط قزلق است. بلندسفاله - که در آنجا چشمه‌ای هست - در ارتفاع ۵۲۰۰ پا است. قبل از رسیدن به قلّه گردنه، رباط دیگری است که برای مسافران در فصل زمستان - که برف و گل فراوان باشد - بسیار مفید است». (رابینو)
۲۲. زیارت دهکده‌ای است در پانزده میلی جنوب استرآباد. در شمال شرقی آن قلّه قلعه گردن ۶۰۰۰ پا و سمت جنوب سیاخانی ۷۲۰۰ پا و جنوب غربی قلّه لنده ۹۰۰۰ پا و شرق قلّه زباله است. (رابینو)
۲۳. مازندران و استرآباد، ضمیمه اول، ص ۱۸۷-۱۹۵.
۲۴. در مواردی که کلمه یا عبارتی به قصد اختصار یا روانی متن حذف شده، سه نقطه گذاشته‌ایم. افزوده‌های درون کروشه، از ماست.
۲۵. شجره الامجاد، ص ۲۱-۲۷.